

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش

روخوانی و روان خوانی

قرآن کریم

اردیبهشت ماه ۱۳۸۸

به نام خدا

دعای ابتدای قرائت قرآن از امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَ وَكِتَابُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ رَسُولِكَ فِيهِ حُكْمُكَ وَشَرَائِعُ دِينِكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ وَجَعَلْتَهُ عَهْدًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَاءَتِي تَفَكُّرًا وَفِكْرِي اعْتِبَارًا وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانَ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ وَلَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي كِتَابَكَ عَلَى قَلْبِي وَلَا عَلَى سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصْرِي غِشَاوَةً وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ أَخَذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَاءَتِي هَذْرَمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ

دعای ختم قرائت قرآن

اللهم اجعل القرآن ربيع قلبي و نور صدري و جلاء حزني و ذهاب غمي و حزني و همي برحمتك يا أرحم الراحمين

اللهم ارحمني بالقرآن و اجعله لي إماما و نورا بين يدي و هدى و رحمة اللهم ذكرني منه ما نسيت و علمني منه ما جهلت و ارزقني تلاوته آناء الليل و أطراف النهار و اجعله حجة يارب العالمين

اللهم إني أسألك إخبارات المحبتين و إخلاص الموقنين و مرافقة الأبرار و استحقاق حقائق الإيمان و الغنيمة من كل بر و السلامة من كل إثم و وجوب رحمتك و عزائم مغفرتك و الفوز بالجنة و النجاة من النار

آداب تلاوت قرآن

۱. احترام به قرآن
۲. وضو
۳. پاکیزه بودن
۴. ذکرهای تلاوت
۵. زمان تلاوت
۶. مکان تلاوت
۷. چگونه قرآن بخوانیم؟
۸. سجده‌های واجب
۹. ویژگی‌های قاری قرآن

احترام به قرآن

- . پاکیزه نگهداشتن قرآن: مثلاً استفاده از جلد پارچه‌ای، مواظبت از عدم کثیف شدن جلد و پارچه، مواظبت بر نریختن آب و غذا و پاره نشدن اوراق و جلد.
- . مکان مناسب برای قرآن: به عنوان مثال روی طاقچه، روی میز و یا داخل قفسه؛ قآن نباید زیر کتاب‌ها باشد بلکه باید روی همه کتب قرار گیرد؛ قرآن نباید در جایی قرار گیرد که موقع خواب پایمان به سمتش دراز شود یا موقع نشستن پشت به آن باشیم؛ نباید از روی قرآن رد شد و آن را نباید زیر دست و پا گذاشت.
- . استفاده از رحل: قرآن بهتر است کمی بالاتر از سطح زمین باشد که برای این ار از رحل استفاده می‌شود؛ اگر رحل نداشتیم قرآن را روی

دست یا پای خود گذاشته و تلاوت کنیم.

رعایت ادب: در برابر همه باید مودب بود اما در برابر قرآن مودب‌تر، مثلاً وقتی قرآن را به کسی می‌دهیم دو دستی این کار را انجام دهیم و قرآن را ببوسیم، در مجلس قرآن به احترام دیگران برنخیزیم چون احترام قرآن واجب‌تر است و اگر خواستیم این کار را انجام دهیم ابتدا قآن را ببندیم، وقتی قرآن می‌خوانیم پایمان را دراز نکنیم و به پشت تکیه نکنیم.

گوش دادن به قرآن: وقتی قرآن خوانده می‌شود خداوند با ما صحبت می‌کند پس با کسی صحبت نکنیم و ساکت باشیم. وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (سوره اعراف، آیه ۲۰۴)

وضو

✓ دست زدن به نوشته‌های قرآن: به نوشته‌های قرآن باید احترام گذاشتو بدون وضو به آن دست نزد و لی برای دست زدن به ترجمه وضو لازم نیست اما اسم خداوند به هر زبانی باشد مانند خدا و الله بناید به آن دست زد.

✓ دست زدن به ورق و جلد قرآن: جلد قرآن و ورق‌های آن احترام دارد و بهتر است بدون وضو به آن دست نزنیم (ولی اگر بدون وضو دست زدیم اشکالی ندارد).

✓ وضو برای خواندن قرآن: همانطوری که آب کثیفی‌ها را می‌شوید وضو هم روح ما را پاکیزه می‌کند، اگر هنگام خواندن قرآن وضو داشته باشیم کلام خدا را بهتر می‌فهمیم و در جان و روح ما بیشتر تاثیر می‌گذارد. فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَّعَلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي

كَتَبَ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ

الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

پاکیزه بودن

کھ بدن پاک: وقتی در موقع دیدن دوست دست و صورت خود را شسته و بهترین لباسها را می پوشیم در موقع تلاوت قرآن - که بهترین دوست ماست - اگر آلودگیها را از خود بزداييم به قآن احترام بیشتر کرده ایم.

کھ عطر زدن: عطر زدن علاوه بر آنکه ثواب دارد انسان را سرحال و شاداب می کند.

کھ مسواک زدن: پیامبر اکرم G فرمودند: دهانهای شما راه قرآن است با مسواک زدن آن را تمیز کنید. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ G: إِنَّ أَفْوَاهَكُمْ طُرُقُ الْقُرْآنِ فَطَيِّبُوهَا بِالسُّوَاكِ (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۵)

ذکرهای تلاوت

۶۵ صلوات بر محمد و آل محمد: در ابتدای تلاوت قرآن و هر جایی که نام مبارک پیامبر G مانند احمد و محمد می آید صلوات بفرستیم: اللهم صل على محمد و آل محمد وعجل فرجهم

۶۶ استعاذه: شیطان ما را وسوسه می کند تا خدا را از یاد ببریم و ما با یاد خدا از شر شیطان رانده شده به خدا پناه می بریم و می گوئیم: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

خداوند در قرآن می فرماید: فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (نحل

۹۸) و در روایتی آمده است که پیامبر G هر گاه قرآن می خواند استعاذه می کرد: عَنِ النَّبِيِّ

G أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (وسائل الشيعة ج ۶ ص ۱۳۵)

﴿ بسمله: در ابتدای هر سوره جز سوره توبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگوییم ولی

وقتی از وسط سوره‌ای آغاز به قرائت کردیم گفتن بسمله لازم نیست.

﴿ تصدیق: پس از اتمام قرائت قرآن فرمایش خداوند را تصدیق نموده و بگوییم: صَدَقَ اللَّهُ

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

زمان تلاوت قرآن

﴿ هر زمان: که فرصتی پیدا کردیم قرآن بخوانیم؛ پیامبر به علی علیه السلام می فرماید هر زمان که فرصت کردی قرآن بخوان. البته در وقت هایی که خواندن قرآن بی احترامی به آن است خواندن قرآن خوب نیست، مثلاً در زمانی که در دستشویی یا حمام هستیم.

﴿ قبل از خواب:

﴿ صبح زود:

﴿ ماه رمضان:

﴿ هنگام نماز: در نماز های واجب بعد از حمد سوره کاملی از قرآن تلاوت می شود و در نمازهای مستحبی سوره یا آیه ای از قرآن خوانده می شود ولی سوره های سجده دار را نمی توان در نماز واجب تلاوت کرد.

مکان تلاوت قرآن

﴿ همه مکان ها به جز جاهایی که به آن بی احترامی شود.

﴿ مسجد

﴿ مکان های مقدس مانند حرم امامان علیهم السلام و قبرستان مسلمانان

﴿ خانه

چگونه قرآن بخوانیم؟

﴿ صحیح فوآندن

- ◀◀ شمرده خواندن: پیامبر هگاه قرآن می خواند در پایان هر آیه توقف میکرد و سپس آیه بعد را می خواند
- ◀◀ با صدای نیکو خواندن: پیامبر: هر چیز زینتی دارد و زینت قرآن صدای نیکوست
- ◀◀ بلند خواندن
- ◀◀ از رو خواندن
- ◀◀ مفظ کردن

سجده های واجب قرآن

چهار آیه در قرآن که هنگام خواندن یا شنیدن آن باید سجده کنیم این آیات عبارتند از:

۱. آیه ۱۵ سوره سجده
 ۲. آیه ۳۷ سوره فصلت
 ۳. آیه ۶۲ سوره نهم
 ۴. آیه ۱۹ سوره علق
- این سوره ها را در اصطلاح علوم قرآنی «سور عزائم» گویند.

ویژگی های قاری قرآن

- ☆ داشتن نیت پاک
- ☆ تفکر در آیات قرآن
- ☆ خضوع و فروتنی در برابر مردم و بویژه قرآن
- ☆ شادی در تلاوت آیات مربوط به بهشت و نعمت های الهی
- ☆ حزن در تلاوت آیات مربوط به عذاب های خداوند

مدرسه قرآن

الفبای قرآن

اگر بخواهیم خواندن قرآن را که به زبان عربی است ، یاد بگیریم نخست باید با الفبای زبان عربی آشنا شویم ؛ الفبای زبان عربی خیلی ساده و آسان است از نظر شکل مثل الفبای زبان فارسی می باشد، البته به استثنای چهار حرف (پ ، چ ، ژ ، گ) که مخصوص زبان فارسی است و در عربی وجود ندارد:

الفبای فارسی به دو شکل بزرگ و کوچک نوشته می شوند، در عربی هم ، چنین است ، شکل های آنها هیچ فرقی با هم ندارند به استثنای (ة - ک - ل) که در رسم الخط قرآنی به شکل های زیر نیز نوشته می شوند:

ت - ة - ة

تاء در رسم الخط عربی به یکی از سه شکل فوق نوشته شده است در عبارت های زیر تفاوت ها را مشاهده کنید

يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ
بِالْبَطْلِ وَيُضُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا
يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٦﴾ يَوْمَ تُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ
فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَأُخْرُوعُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا
كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ
أَنفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يَقْتُلُونَكُمْ كَافَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ
مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٨﴾

«کاف» در رسم الخط عربی به یکی از سه شکل فوق نوشته شده است در عبارت

های زیر تفاوت ها را مشاهده کنید

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا
 فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ
 وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ
 هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾

-٤٠-

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ
 خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

-٤١-

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ
 الْكَاذِبِينَ ﴿٤٢﴾

-٤٢-

لَا يَسْتَعِذُّنَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾

-٤٤-

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيُّ بْنُ أَبِي النَّصْرِى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَٰلِكَ قَوْلُهُمْ
 بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَعُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ

ل

أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ

أُولَئِكَ مَرَّةً أَحْشَوْنَهُمْ ۗ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَحْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

به تفاوت لام با کاف دقت نمایید؛ لام: لـ کاف: كـ

علامت های قرآن

برای اینکه همه مسلمان ها براحتی بتوانند قرآن را صحیح بخوانند، شاگردان حضرت علی (ع) کلمه های قرآن را علامت گذاری کردند تا صدای تمام کلمه ها مشخص باشد.

صداهای کوتاه

به سه علامت فتحه و کسره و ضمه، «حرکت های کوتاه» یا «صداهای کوتاه» نیز گفته می شود.

هرگاه روی حرفی یکی از علامت های فتحه (َ) کسره (ِ) یا ضمه (ُ) قرار گیرد آن حرف را کوتاه و در یک حرکت می خوانیم.

صدای ضمه و کسره در عربی با فارسی اندکی متفاوت است به طوریکه صدای کسره در زبان عربی مثل «ای» کوتاه فارسی و ضمه مثل «او» کوتاه فارسی تلفظ می شود.

فتحه: به حرفی که علامت فتحه بالای آن باشد، مفتوح می گویند. هر حرف «مفتوح» یک بخش جداگانه از کلمه را تشکیل می دهد.

فتحه یعنی یک بار «گشودن» و «باز کردن». به هنگام خواندن و تلفظ حرف

فتحه دار، لب های انسان یک بار گشوده و باز می شوند. از این رو، به این علامت، فتحه می گویند. در زبان فارسی، فتحه را «زَبَر» یا «صدای بالا» می نامند.

کسره: به حرفی که علامت کسره زیر آن باشد، مکسور می گویند. هر حرف مکسور یک بخش جداگانه از کلمه را تشکیل می دهد.

کسره یعنی یک بار «شکستن». به هنگام خواندن و تلفّظ حرف کسره دار، لب های انسان یک بار به طرف پایین متمایل و شکسته می شوند. از این رو، به این علامت، کسره می گویند. در زبان فارسی، کسره را «زیر» یا «صدای پایین» می نامند.

ضمّه: به حرفی که علامت ضمّه بالای آن باشد، مضموم می گویند. هر حرف مضموم یک بخش جداگانه از کلمه را تشکیل می دهد.

ضمّه یعنی یک بار «به هم پیوستن» و «جمع شدن». به هنگام خواندن و تلفّظ حرف ضمّه دار، لب های انسان یک بار به هم پیوسته و جمع می شوند. از این رو، به این علامت، ضمّه می گویند. در زبان فارسی، ضمّه را «پیش» یا «صدای وسط» می نامند.

سکون

«سُکون» یعنی «حرکت نداشتن». علامت سکون (ْ) بالای حرف قرار می گیرد. به حرفی که هیچ حرکتی ندارد و دارای علامت سکون است، ساکن می گویند.

حرف ساکن به تنهایی خوانده نمی شود، زیرا حرکت ندارد. بنابراین، حرف ساکن به کمک حرف حرکت دار پیش از خود خوانده می شود. حرف ساکن و حرف متحرک پیش از آن، یک بخش جداگانه از کلمه را تشکیل می دهند.

حرف ساکن هیچ گاه در آغاز کلمه قرار نمی گیرد؛ زیرا آغاز کردن کلمه بدون هیچ حرکتی، مشکل است.

ساکن یعنی دارای «سکون»؛ و سکون به معنی «آرامش» است. هنگامی که حرفی با سکون خوانده می شود، یعنی دارای آرامش است، زیرا هیچ صدایی ندارد.

هر گاه بعد از صدای (ـَ)، (واو) یا (یاء) بیاید که دارای سکون باشد (واو) و (یاء) باید به نرمی خوانده شوند. مانند: کیف - غیر - یوم - سوف

در این موارد باید دقت کنیم که صدای (أ) قبل از سکون تمایل به صدای (ا) یا (إ) پیدا نکند. مثلاً:
كُوْثَرَ دَرَسْتَ اَسْت نَه كُوْثَرَ
كَيْفَ دَرَسْتَ اَسْت نَه كَيْفَ.

به دو حرف واو ساکن و یاء ساکن که حرف پیش از آن ها مفتوح باشد، حروف لین می گویند. «لین» یعنی «نرمی»؛ و این دو حرف را «لین» می نامند، زیرا به نرمی تلفظ یا ادا می شوند.

اگر پیش از یک حرف ساکن، حرف ساکن دیگری نیز وجود داشته باشد، هر دو حرف ساکن به کمک حرف قبلی خوانده می شوند و همراه با آن، یک بخش جداگانه از کلمه را تشکیل می دهند. به این مثال ها توجه کنید:

فَتَحْ، خَوْفٌ، بَيْتٌ، صَيْفٌ، قُرَيْشٌ، عَصْرٌ، خُسْرٌ، صَبْرٌ، قَدْرٌ، شَهْرٌ، أَمْرٌ، فَعْرٌ.

اگر پیش از حرف ساکن، یکی از حروف مدّ (صداهای کشیده) باشد، حرف ساکن و حرف مدّ به کمک حرف قبلی خوانده می شوند و همراه با آن، یک بخش جداگانه از کلمه را تشکیل می دهند؛ مانند ناسٌ، دینٌ، ماعونٌ.

تمرین کنید:

تَشْدِيد

هر حرفی که علامت تشدید (ّ) بالای آن باشد، در هنگام خواندن، بدون فاصله و قطع صدا، به صورت دو حرف خوانده می شود، به گونه ای که به هنگام خواندن، حرف اوّل، ساکن، و حرف دوم، حرکت دار تلفّظ می شود. حرفی که علامت تشدید دارد، محکم و با شدّت خوانده یا آدا می شود؛ از این رو آن را «حرف مُشَدَّد» می نامند.

بنابراین، «حرف مُشَدَّد» در حقیقت شامل دو حرف است که اوّلی حرکت ندارد. به همین دلیل، حرف مُشَدَّد مانند حرف ساکن، به تنهایی خوانده نمی شود و در آغاز کلمه قرار نمی گیرد. پس حرف مُشَدَّد به کمک حرف حرکت دار قبلی خوانده می شود. حرف حرکت دار قبلی با حرف مُشَدَّد، دو بخش جداگانه از کلمه را تشکیل می دهند؛ به این ترتیب:

تَبَّّ که خوانده می شود: تَبَّبَ .

كُلَّّ که خوانده می شود: كُكِّلَ .

أُمَّّ که خوانده می شود: أُمَّمُ .

إِنَّاّ که خوانده می شود: إِنَّا نَا .

رَبِّيّ که خوانده می شود: رَبِّ بِي .

يُصِرُّونَّ که خوانده می شود: يُصِرُّرُونُ .

اگر دو حرف مثل هم کنار یکدیگر قرار گیرند و اوّلی حرکت دار و دومی ساکن باشد، تشدید به کار نمی رود. مثلاً در کلمه مَمْنُون، دو حرف میم جداگانه نوشته و خوانده می شوند.

اگر حرف مُشَدَّد دارای علامت کسره باشد، گاه علامت کسره را بالای حرف

و زیر تشدید قرار می دهند؛ مثلاً به جای رَبِّّ می نویسند: رَبِّّ .

هنگام تلفظ دو حرف میم و نون مشدد صدا به اندازه ۲ حرکت در فضای بینی نگه داشته می شود که به این حالت «غنه» می گویند. مانند:

مِن، مِمَّن، فَمَمَّهِنَّ

صداهای کشیده

هر گاه بعد از صدای کوتاه (فتحه، کسره و ضمه) حرفی همجنس آنها قرار گیرد، آن حروف باعث کشیده شدن صدای حرکات می شوند.

گاهی پس از صدای کوتاه فتحه، حرف الف قرار می گیرد: (اَا)

در این حالت، به هنگام خواندن، صدای فتحه دو برابر کشیده می شود. به

همین دلیل، به این الف، (الفِ مدّی) یا (صدای کشیده فتحه) می گویند؛ مانند ما

روش تلفظ یا آدا کردن «الف مدّی» به این صورت است:

صدای کوتاه فتحه + مقداری کشش = صدای کشیده فتحه.

یا به بیان کوتاه تر:

فتحه + مقداری مدّ = الف مدّی.

مدّ یعنی «کشیدن» و «کشش». چون صداها کشیده به شکل حروف نوشته

می شوند، به این صداها «حروفِ مدّی» می گویند.

صدای الف مدّی پس از هشت حرف (خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق، ر)

و گاه پس از حرف (ل) به صورت درشت و غلیظ و شبیه صدای «آ» در زبان

فارسی خوانده می شود. اما پس از بقیه حروف و گاه نیز پس از حرف (ل) به

صورت نازک و رقیق و شبیه صدای «فتحه»، ولی با دو برابر مدّ و کشش، تلفظ و

آدا می گردد.

به بیان دیگر: به هنگام خواندن، «الف مدّی» تابع و پیرو حرف پیش از خود

است. هرگاه حرفی نازک و رقیق خوانده شود، الف مدّی بعد از آن نیز نازک و

رقيق تلفظ و آدا می گردد. و هر گاه حرفی درشت و غلیظ خوانده شود، الف مدّی بعد از آن هم درشت و غلیظ تلفظ و آدا می گردد.

هر گاه حرف (لام) در کلمه (الله) قرار بگیرد و پیش از آن، حرکت فتحه یا ضمّه باشد، به صورت درشت و غلیظ تلفظ و آدا می شود، مانند «إِنَّ اللَّهَ» و «يَدُ اللَّهِ». در کتابت اولیه، الف مدّی بعضی از کلمات را به جهاتی نمی نوشتند، بعدها که قرآن را برای صحّت تلاوت علامت گذاری کردند، در چنین مواردی با اضافه کردن یک الف کوچک، در کنار حرف مفتوح (ـَ) لزوم تلفظ صدای فتحه کشیده را روشن ساختند؛ به این ترتیب: مَلِكٍ به جای مَالِكٍ و صِرَاطٍ به جای صِرَاطٍ.

نمونه های دیگر:

الرَّحْمَنِ، الْعَلَمِينَ، هَذَا، الْكِتَابِ، ذَلِكَ، رَزَقْنَاهُمْ، أَبْصَرِهِمْ،
غَشْوَةَ، تَخَذِعُونَ، شَيْطَانِهِمْ،

شکل های الف مدّی:

۱. به صورت الف کوتاه مانند إله.

أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ
إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

۱۳۳

۲. به صورت الف کوتاه همراه با الف بزرگ مانند قام.

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۱۹

۳. پیش از حرف یاء کوچک مانند نریک.

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرْنَكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرْنَكَ

اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا لِنا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ

۲۷

نُظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

۴. پیش از حرف یاء بزرگ مانند علی.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ

كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ

وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾

۷-۵

۵. پیش از حرف واو مانند صلوة.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَعِذَّ بِكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا

الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ

۵۸

وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ

یاءِ مَدّی (— ی) (صدای کشیده کسره)

گاهی پس از صدای کوتاه کسره، حرف یاء قرار می گیرد: (— ی). در این

حالت، به هنگام خواندن، صدای کسره دو برابر کشیده می شود. به همین دلیل، به

این یاء، (یاءِ مَدّی) یا (صدای کشیده کسره) می گویند؛ مانند فی .

روش تلفظ یا ادا کردن « یاءِ مَدّی » به این صورت است:

صدای کوتاه کسره + مقداری کشش = صدای کشیده کسره.

یا به بیانِ کوتاه تر:

کسره + مقداری مدّ = یاء مدّی.

صدای یاء مدّی پس از تمامی حروف یکسان است. این صدا شبیه صدای (ای) در فارسی و حدود دو شماره است.

یاء مدّی همراه با حرفِ مکسورِ پیش از خود، یک بخشِ جداگانه از کلمه را تشکیل می دهد.

واوِ مدّی (— و) (صدای کشیده ضمّه)

گاهی پس از صدای کوتاه ضمّه، حرف واو قرار می گیرد: (— و). در این حالت، به هنگام خواندن، صدای ضمّه دو برابر کشیده می شود. به همین دلیل، به این واو، (واوِ مدّی) یا (صدای کشیده ضمّه) می گویند؛ مانند طُورِ .

روش تلفّظ یا ادا کردنِ «واوِ مدّی» به این صورت است:

صدای کوتاه ضمّه + مقداری کشش = صدای کشیده ضمّه.

یا به بیانِ کوتاه تر:

ضمّه + مقداری مدّ = واوِ مدّی.

صدای واوِ مدّی پس از تمامی حروف یکسان است. این صدا شبیه صدای (او) در فارسی و حدود دو شماره است.

با توجّه به آنچه گفته شد، حروف مدّی عبارتند از:

۱. الفی که پیش از آن، حرف مفتوح است (الفِ ماقَبْلُ مفتوح).
۲. یایی که پیش از آن، حرف مکسور است (یاءِ ماقَبْلُ مکسور).
۳. واوی که پیش از آن، حرف مضموم است (واوِ ماقَبْلُ مضموم).

تذکر

تبدیل صداهای کشیده به کوتاه

هرگاه صداهای کشیده (ا - ای - او) در آخر کلمه باشد و در ابتدای کلمه دیگر حرف ساکن و یا تشدیددار قرار گیرد صداهای کشیده با صدای کوتاه (ـَـ) خوانده می شوند.

مانند:

وَإِذَا الْجِبَالُ خوانده می شود وَإِذْ الْجِبَالُ

إِنَّمَا التَّوْبَةُ خوانده می شود إِنَّمَا تَوْبَةُ

فِي الْأَرْضِ خوانده می شود فِي الْأَرْضِ

فِي الصُّورِ خوانده می شود فِي الصُّورِ

ذُو الْعَرْشِ خوانده می شود ذُو الْعَرْشِ

ءَاتُوا الزَّكَاةَ خوانده می شود آتُوا زَكَاةَ

حروف والی

در فارسی، گاه حرفی نوشته می شود، ولی خوانده نمی شود، مانند حرف واو در کلمه خواهر که خوانده می شود: خاھر. در قرآن نیز چهار حرف (و - ا - ل - ی = والی) اگر هیچ علامتی نداشته باشند خوانده نمی شوند، بیست و چهار حرف دیگر زبان عربی همیشه دارای علامت هستند و همواره خوانده می شوند.

مثلاً:

صَلَّوْةَ خوانده می شود: صَلَاةٌ .

ءَامُّوا خوانده می شود: اَمُّو .

الصَّمَدِ خوانده می شود: اصَّمَدُ .

فِي الْعُقَدِ خوانده می شود: فِئَعُقَدِ .

تذکر

۱. همزه به پنج شکل نوشته می شود:

الف. به تنهایی (ء) مانند جَاءَ. ب. بالای یک دندانه (ئ) مانند سَأَلِ. ج. بالا یا

پایین حرف الف (أ، إ) مانند مَأْكُولٌ و إِحْسَانِ. د. بالای حرف یاء (ئ) مانند قُرِئَ.

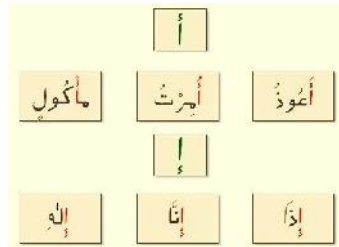
هـ. بالای حرف واو (ؤ) مانند مَسْئُولٌ.

اگر همزه (ء) روی سه حرف الف، واو، یاء قرار گیرد (أ - و - ئ) این سه

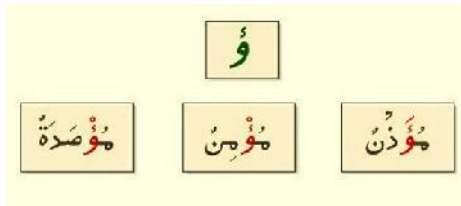
حرف پایه یا «کرسی» همزه می گردند. در این حالت، فقط همزه خوانده می شود

و کرسی همزه تلفظ نمی گردد. مثال:

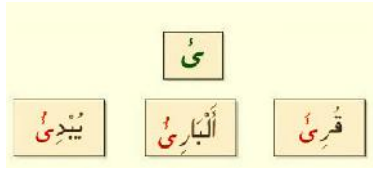
أَعُوذُ خوانده می شود: عَعُوذُ.



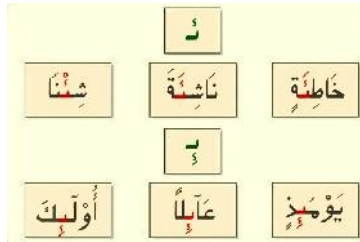
مُؤَصِّدَةً خوانده می شود: مُءَصِّدَةً.



يُبْدِيُّ خوانده می شود: يُبْدِئُ.



۲. گاه به جای اینکه حرف یاء بزرگ (ی) پایه و کرسی همزه قرار گیرد، حرف یاء کوچک (ی) پایه و کرسی همزه (ی) قرار می گیرد و نقطه های یاء کوچک را حذف می کنند (ث)، مانند يَوْمِئِذٍ که خوانده می شود يَوْمَءِذٍ.



۳. در قرآن، هفت کلمه وجود دارند که با واو مدّی نوشته می شوند، ولی استثناءً واو مدّی آن ها به صورت صدای کوتاه ضمّه خوانده می شود. این هفت کلمه عبارتند از:

| خواندن | نوشتن |
|--------------|----------------|
| أَلِي | أُولَى |
| أَلُوا | أُولُوا |
| أَنَا | أَوْلَانِي |
| أَلَاتِي | أَوْلَاتِي |
| أَلَيْكَ | أَوْلَيْكَ |
| أَلَيْكُمْ | أَوْلَيْكُمْ |
| سَأَلَيْكُمْ | سَأَوْلَيْكُمْ |

در قرآن‌های به خط عثمان طه که به شیوه عربی علامت گذاری می شوند، بالای واو مدّی در این هفت کلمه، یک دایره کوچک (ـ) قرار دارد که نشان می دهد واو مدّی خوانده نمی شود؛ به این ترتیب:

أُولَى - أُؤَلُوا - أُؤَلَاءٌ - أُؤَلَاتٍ - أُؤَلَيْكَ - أُؤَلَيْكُمْ - سَأُؤَرِيكُمْ.

البته بالای حروف دیگری نیز یک دایره کوچک قرار دارد که نشان می دهد آن حروف خوانده نمی شوند؛ مانند نَصْرُوا که خوانده می شود: نَصْرُو.

۴. گاهی حرف مدّی در پایان کلمه ای قرار می گیرد که پس از آن، همزه وصل وجود دارد. در این حال، حرف مدّی خوانده نمی شود، بلکه تنها حرف صدادار پیش از آن تلفّظ می گردد؛ به این ترتیب:

مَا الْقَارِعَةُ مَلْقَارِعَةٌ.

ذِي الْجَلَالِ جَلَالٌ.

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ.

۵. هر گاه (الف) بدون علامت در وسط یا آخر کلمه قرار گیرد خوانده نمی شود، مانند:

وَاحْلُلْ حُلٌّ.

وَالْقَمَرِ قَمَرٌ.

أَتُوا أَتٌ.

در قرآن‌های عثمان طه الف ناخوانای وسط کلمه را با صاد کوچکی (ص) مشخص کرده اند، مانند:

وَالَّذِينَ بِالْعَدَابِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ

۶. هر گاه حرف (لام) علامتی نداشته باشد خوانده نمی شود، در عوض

حرف بعد از (لام) ناخوانا همیشه دارای علامت تشدید می باشد، مانند:

الشَّمْسُ که خوانده می شود اَشْمَسُ

التَّوْبَةُ که خوانده می شود اَتَوَّبَةُ

تنوین

تنوین نون ساکنی است که در آخر برخی از کلمات عربی خوانده می شود، اما نوشته نمی شود. تنوین سه گونه است:

الف.

ب. تنوینِ جَرِّ

ج. تنوینِ رَفْعٍ

تنوینِ نَصْبٍ

علامت تنوینِ نَصْبٍ، دو فتحه (ُ) است که بالای حرف قرار می گیرد. به کلمه ای که تنوین نصب دارد، مَنْصُوب می گویند؛ مانند بٌ که خوانده می شود: بَنْ. در فارسی، به علامت نصب «دوزبر» می گویند.

نارًا خوانده می شود: نَارُنُ .

أَفْوَاجًا خوانده می شود: أَفْوَاجِنُ .

تَوَابًا خوانده می شود: تَوَابِنُ .

رَحْمَةً خوانده می شود: رَحْمَتِنُ .

صُبْحًا خوانده می شود: صُبْحِنُ .

| خواندن | نوشتن | خواندن | نوشتن |
|-----------|----------|-----------|----------|
| حَسَبْنَ | حِسَابًا | مَثَلْنَ | مَثَلًا |
| غَفُورَنَ | غَفُورًا | أَحَدْنَ | أَحَدًا |
| رَحِيمَنَ | رَحِيمًا | بَصِيرَنَ | بَصِيرًا |

معمولاً پس از تنوین نصب یک «الف» نوشته می شود که خوانده نمی شود؛

ولی این الف در سه مورد نوشته نمی شود:

۱. هنگامی که در پایان کلمه، تاء گرد (هـ - هُ) باشد؛ مثلاً:

تَذَكِّرُهُ خَوَانِدَه مِی شُود: تَذَكِّرْتُهُ .

مَوْعِظَةُ خَوَانِدَه مِی شُود: مَوْعِظْتَهُ .

| خواندن | نوشتن |
|--------------|------------|
| رَحْمَتَنَ | رَحْمَةً |
| رَاضِيَتَنَ | رَاضِيَةً |
| وَاحِدَتَنَ | وَاحِدَةً |
| مَغْفِرَتَنَ | مَغْفِرَةً |

۲. هنگامی که در پایان کلمه، یاء (ی) باشد (این «یاء» باید منقلب از «الف» و

به جای آن باشد.)؛ مثلاً:

هُدًى خَوَانِدَه مِی شُود: هُدًى .

| خواندن | نوشتن |
|-----------|-----------|
| هَدَن | هَدِي |
| اَدَن | اَدِي |
| مُهْتَرَن | مُهْتَرِي |
| مُصْفَن | مُصْفِي |
| مَوْلَن | مَوْلِي |
| مُسِين | مُسِي |

۳. هنگامی که در پایان کلمه، همزه (ء) باشد؛ مثلاً:
ماء خوانده می شود: ماءن.

| خواندن | نوشتن |
|----------|---------|
| مَاءَن | مَاءٌ |
| جَزَائَن | جَزَاءٌ |

استثناء: دو کلمه (جَزَاءٌ) و (سُوءًا) با الف نوشته می شوند.

۲۶۰ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ

وَاِذَا ارَادَ اَللّٰهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ

۱۱۴

تنوینِ جَرِّ (—)

علامت تنوینِ جَرِّ، دو کسره (—) است که زیر حرف قرار می گیرد. به

کلمه ای که تنوینِ جَرِّ دارد، مَجْرور می گویند؛ مانند د که خوانده می شود: دِن.

در فارسی، به علامتِ جَرِّ «دو زیر» می گویند.

خُسْر خوانده می شود: خُسْرِن.

حَاسِدٍ خوانده می شود: حَاسِدِْ.

حِجَارَةٌ خوانده می شود: حِجَارَتِْ.

رَاضِيَةٌ خوانده می شود: رَاضِيَتِْ.

يَوْمِيذٍ خوانده می شود: يَوْمِيذِْ.

تنوينِ رَفَعِ (—)

علامت تنوينِ رَفَعِ، دو ضمه (—) است که بالای حرف قرار می گیرد. به کلمه ای که تنوينِ رَفَعِ دارد، مَرْفُوعِ می گویند؛ مانند شُ که خوانده می شود: شُنْ. در فارسی، به علامت رَفَعِ «دوپیش» می گویند.

حَبْلٌ خوانده می شود: حَبْلُنْ.

سَلَامٌ خوانده می شود: سَلَامُنْ.

لَشَدِيدٌ خوانده می شود: لَشَدِيدُنْ.

حَامِيَةٌ خوانده می شود: حَامِيَتُنْ.

مُؤَصَّدَةٌ خوانده می شود: مُؤَصَّدَتُنْ.

توجه شود که در رسم الخط عثمان طه تنوين به سه شکل نوشته شده است: تنوينِ رَفَعِ:

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۹۵

إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۱۱۵

تنوينِ نَصَبِ

جَزَاءٌ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ ۳۸

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٥﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٦﴾ ۲۵ و ۲۴

تنوین جر

وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ : ۷

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ ۙ
وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا مِص ۵۸

مدّ (ـ)

پیش از این، با صداهای کشیده، یا حروفِ مدّی (ا - ی - و) آشنا شدیم. هرگاه بالای حرف مدّی، علامت مدّ (ـ) قرار گیرد، حرف مدّی با صدای کشیده تر خوانده می شود؛ مثلاً:

جاءَ خوانده می شود: جااااا.

جىءَ خوانده می شود: جى ی ی ی یء.

ساءَ خوانده می شود: سااااا.

سوءُ خوانده می شود: سوووووء.

سىءَ خوانده می شود: سى ی ی ی یء.

به حرفی که علامت مدّ داشته باشد، «ممدود» می گویند، مدّ یعنی کشش. و چون علامت مدّ باعث کشش بیشتر حروف مدّی می شود، به آن، علامت مدّ می گویند.

معمولاً علامت مدّ بالای سه حرف (الف) و (ياء) و (واو) قرار می گیرد که (الف مدّی) و (ياء مدّی) و (واو مدّی) نام دارند. پس از حروف مدّی، این سه حرف قرار می گیرند:

- همزه ; مثال: وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجُلًا يَعْرِفُوهُمْ بِسِيمَانِهِمْ قَالُوا مَا

أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ ٤٨

- حرف ساکن ; مثال: قَالُوا الْكَيْفَ جِئْتَ بِالْحَقِّ ٧١

- حرف مشدّد ; مثال: صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

وَلَا الضَّالِّينَ ٧

همزه و سکون و تشدید علّت و سبب مدّ هستند و کشیده نمی شوند.
اگر علامت مد روی آخرین حرف کلمه باشد و بخواهیم در آن کلمه وقف
کنیم هنگام وقف حذف می گردد.

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكِرِيَّا ﴿٢﴾

البته توجه شود که در کلماتی مانند ساء، سوء و جاء، جیء علامت مد روی
آخرین حرف نیست.

وَصَلِّ (ـُ)

«علامتِ وصال» نشانه ای است به این شکل: (ـُ) که هر گاه بالای همزه قرار

گیرد، آن همزه خوانده نمی شود. در این حالت، حرف های پیش از همزه و پس از
همزه به یکدیگر می چسبند و وصل می شوند؛ مثلاً:

وَأَخْرَجُوا خَائِبِينَ وَوَجَّهْنَا وَوَجَّهْنَا وَوَجَّهْنَا

وَالْعَصْرِ خَوَانِدَه مِی شُود: وُلْعَصْرِ.

بِالْحَقِّ خوانده می شود: بِالْحَقِّ.

وَأَمْرًا تَهُر خوانده می شود: وَأَمْرًا تَهُر.

بِرَبِّ الْفَلَقِ خوانده می شود: بِرَبِّ الْفَلَقِ.

به همزه ای که علامت وصل بالای آن باشد، «همزه وصل» می گویند. همزه وصل در آغاز خواندن کلام، تلفظ می شود، مانند اجْعَلْ؛ ولی در میان خواندن کلام، تلفظ نمی شود، مانند رَبِّ اجْعَلْ که خوانده می شود: رَبِّ اجْعَلْ. تذکر: اگر پیش از علامت وصل، تنوین باشد، حرف نون (که در تنوین به صورت ساکن است و تلفظ می شود) مکسور خوانده می شود؛ به این ترتیب:

مَثَلًا الْقَوْمُ (مَثَلَنُ الْقَوْمُ) خوانده می شود: مَثَلَنُ الْقَوْمُ.

بِغُلَامٍ أَسْمُهُر (بِغُلَامِينَ أَسْمُهُ) خوانده می شود: بِغُلَامِينَ سَمُهُ.

فَسَقَّ الْيَوْمَ (فَسَقَّنُ الْيَوْمَ) خوانده می شود: فِسَقَّنُ الْيَوْمَ.

قاعده اشباعِ (هاء ضمیر)

«ضمیر» کلمه ای است که به جای اسم قرار می گیرد و ما را از تکرار آن بی نیاز می کند. مثلاً به جای «کِتَابٌ عَلِيٌّ = کِتَابِ عَلِيٍّ» می توان گفت: «کِتَابُهُ = کِتَابِ عَلِيٍّ». در این جا ضمیر (ه = او) به جای اسم (علی) قرار گرفته است.

«هاء ضمیر» عبارت است از ضمیر (ه - ه) که در آخر کلمه قرار می گیرد و همیشه یا مکسور (ه - ه) و یا مضموم (ه - ه) است. (حرکت اصلی هاء ضمیر،

حرکت ضمه (ه) است؛ ولی هر گاه پیش از هاء ضمیر، حرف یاء ساکن و یا حرف مکسور قرار گیرد، هاء ضمیر مکسور می شود، مانند اَلَيْهٖ، به) اِشْبَاعِ (سیر کردن) یعنی آنکه حرفی را به شکل سیر شده (کشیده) تلفظ کنیم. «اشباع هاء ضمیر» به این معناست که حرکت کوتاه کسره را به حرکت کشیده کسره (یاء مدّی) و نیز حرکت کوتاه ضمه را به حرکت کشیده ضمه (واو مدّی) تبدیل کنیم.

اشباع هاء ضمیر هنگامی صورت می پذیرد که حرف پیش از هاء دارای حرکت باشد. بنابراین، هنگامی که حرف پیش از هاء ضمیر، متحرک باشد، ضمیر (و - ه) به شکل (هی)؛ و ضمیر (ه - ه) به صورت (هو) خوانده می شود؛ مثلاً:

عِبَادِهِ خوانده می شود: عِبَادِهِ .

بِهِ خوانده می شود: بِهِ .

يَرَهُ خوانده می شود: يَرَهُو .

لَهُ خوانده می شود: لَهُو .

أَمْرَهُ خوانده می شود: أَمْرَهُو .

مَا لَهُ خوانده می شود: مَا لَهُو .

* به حرف های (یاء) و (واو) که از اشباع پدید می آیند، «حروف نانوشته» نیز می گویند؛ زیرا خوانده می شوند، اما نوشته نمی شوند.

موارد اشباع نشدن هاء ضمیر

هاء ضمیر، تنها در چهار مورد اشباع نمی گردد و با حرکت کوتاه کسره یا

ضمّه خوانده می شود:

۱. هر گاه پیش از هاء ضمیر، حرف مدّی (الف، یاء، واو) باشد؛ مانند اَنْزَلْنَاهُ،
فِيهِ، نَصْرُوهُ.

۲. هر گاه پیش از هاء ضمیر، «حرف ساکن» باشد؛ مانند اِلَيْهِ، مِنْهُ، وَاسْتَغْفِرُهُ.

۳. هر گاه پس از هاء ضمیر، «حرف ساکن» باشد؛ مانند بِيَدِهِ الْمُلْكُ، دُونِهِ
الْبَاطِلُ، نَصْرَهُ الْحَسَنُ، لَهُ الْحَمْدُ.

۴. هر گاه پس از هاء ضمیر، «حرف مُشَدَّد» باشد؛ مانند بِهِ الدِّينِ، نَصْرَهُ اللّٰهُ،
رَفَعَهُ اللّٰهُ.

موارد استثناء

* هاء ضمیر در کلمه (يُرْضَةُ) «سوره زمر آیه ۷» اشباع نمی گردد و با حرکت
کوتاه ضمه تلفظ می شود؛ یعنی این کلمه به صورت (يُرْضَهُو) خوانده نمی شود.
وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

* هاء ضمیر در کلمه (فيه) در عبارت (فيه مَهَانًا) «سوره فرقان آیه ۶۹» استثناء
اشباع می گردد؛ یعنی این عبارت به صورت (فيهی مَهَانًا) خوانده می شود. وَتَخَلَّدُ
فِيهِ مَهَانًا

* حرف (هاء) در آخر کلمه (هذه) استثناء اشباع می گردد؛ یعنی این کلمه به
صورت (هذهی) خوانده می شود.

به طور کلی در رسم الخط عثمان طه هر گاه بعد از ضمیر «ه» واو کوچک «و»

یا یاء کوچک معکوس «ے» نوشته شده است اشباع می گردد و در مواردی که ذکر
نشده است، اشباع نمی گردد.

وَقْف وابتدا

گاه کسی که قرآن می خواند، در میان قراءتِ یک قطعه نیاز به تنفس دارد و ناچار می شود که درنگ کند. گاه نیز قاری به علامت وَقْف و گاهی هم به آخر آیه قرآن می رسد. در این سه حالت، قاری درنگ می نماید و نفس خود را تازه می کند و آن گاه خواندن قرآن را ادامه می دهد. این درنگ کردن و تازه ساختن نفس را وَقْف می گویند. و شروع قرائت پس از وقف را «ابتدا» می گویند.

اقسام وقف

وقف دارای سه گونه است:

۱. وقف بدون تغییر

۲. وقف اسکان

۳. وقف ابدال

۱. وقف بدون تغییر

اگر در آخر کلمه ای حرف ساکن (ْ) و یا حرف مدّی (ا - ی - و) باشد، در هنگام وقف هیچ دگرگونی و تغییری در آن حرف پدید نمی آید، و به همان صورت که هست خوانده می شود؛ به این ترتیب:

عَبْدُتُمْ در حال وقف نیز خوانده می شود: عَبْدُتُمْ .

مالها در حال وقف نیز خوانده می شود: مالها .

عبادی در حال وقف نیز خوانده می شود: عبادی .

رابطوا در حال وقف نیز خوانده می شود: رابطوا .

فَمَّا فَانَدِرْ، وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ، وَالصُّحَى، فَاَنْطَلَقَا، خَرَقَهَا، اَهْلَهَا

۲. وقفِ اسکان

الف. اسکان یعنی «ساکن کردن». اگر حرف آخر کلمه ای دارای حرکت

کوتاه (َ ، ِ ، ُ) باشد، در هنگام وقف، ساکن (ْ) می شود؛ به این

ترتیب:

خَلَقَ در حال وقف خوانده می شود: خَلَقْ .

فِي الْعُقَدِ در حال وقف خوانده می شود: فِي الْعُقَدِ .

نَسْتَعِينُ در حال وقف خوانده می شود: نَسْتَعِينْ .

تذکر

۱. اگر حرف آخر کلمه ای هاء ضمیر (هـ ، هـ) باشد، در هنگام وقف، ساکن

(ْ) می شود؛ به این ترتیب:

بِهِ در حال وقف خوانده می شود: بِهْ .

عِبَادِهِ در حال وقف خوانده می شود: عِبَادِهِ .

لَهُ در حال وقف خوانده می شود: لَهُ .

أَمْرُهُ در حال وقف خوانده می شود: أَمْرُهُ .

۲. اگر حرف آخر کلمه ای مُشَدَّد (ّ) باشد، در هنگام وقف ساکن می

گردد، ولی با قدری شدت خوانده می شود؛ مثلاً:

مِنَ الْعَمِّ در حال وقف خوانده می شود: مِّنَ الْعَمِّ (مییم با شدت خوانده می

شود).

۳. اگر در آخر کلمه ای یاء مفتوح (یَ) قرار گیرد و حرف پیش از آن

مکسور باشد، در هنگام وقف، یاء مفتوح ساکن می شود؛ به این ترتیب:

هِيَ در حال وقف خوانده می شود: هِيَ (هی).

عِبَادِيّ در حال وقف خوانده می شود: عِبَادِيّ (عِبَادِيّ).

۴. اگر در آخر کلمه ای واو مفتوح (و) قرار گیرد و حرف پیش از آن

مضموم باشد، در هنگام وقف، واو مفتوح ساکن می شود؛ به این ترتیب:

هُوَ در حال وقف خوانده می شود: هُوَ (هُوَ).

أَنْ يَعْفُو در حال وقف خوانده می شود: أَنْ يَعْفُو (أَنْ يَعْفُو).

ب. اگر حرف آخر کلمه ای دارای تنوین جرّ (ـ) یا تنوین رفع (ـ) باشد،

در هنگام وقف، ساکن (ـ) می گردد و تنوین آن حذف می شود؛ به این

ترتیب:

مَسَدٌ در حال وقف خوانده می شود: مَسَدٌ.

أَحَدٌ در حال وقف خوانده می شود: أَحَدٌ.

۳. وقف ابدال

الف. ابدال یعنی «تبدیل کردن». اگر حرف آخر کلمه ای تاء گرد (ة - هـ)

باشد، در هنگام وقف، به هاء ساکن (هـ - هـ) تبدیل می شود؛ به این ترتیب:

سَلَوَةٌ در حال وقف خوانده می شود: صَلَوَةٌ.

فِي الْحُطْمَةِ در حال وقف خوانده می شود: فِي الْحُطْمَةِ.

مُوقَدَةٌ در حال وقف خوانده می شود: مُوقَدَةٌ.

وَاحِدَةٌ در حال وقف خوانده می شود: وَاحِدَةٌ.

لَمَزَةٌ در حال وقف خوانده می شود: لَمَزَةٌ.

مُؤَصَّدَةٌ در حال وقف خوانده می شود: مُؤَصَّدَةٌ.

ب. اگر در آخر کلمه ای تنوین نصب (ـ) باشد، در هنگام وقف، تنوین

حذف می شود و به الف مدّی (ا) تبدیل می گردد (البته زمانی که حرف آخر

کلمه، تاء گرد (ة - ة) نباشد؛ به این ترتیب:
 أفواجا در حال وقف خوانده می شود: أفواجا .
 سماء در حال وقف خوانده می شود: سماءا .
 هُدَى در حال وقف خوانده می شود: هُدا (هُدی) .
 مُسَمَّى در حال وقف خوانده می شود: مُسَمَّا (مُسَمَّى) (میم با تشدید خوانده می شود).

علامت های وقف

برای تشخیص محل هی صحیح وقف و ابتدا نیاز به آشنایی با زبان و ادبیات عربی می باشد و چون بیشتر مردم آشنایی کافی ندارند به همین جهت علمای قرائت علامت هایی را انتخاب کرده اند تا راهنمای محل های مناسب برای وقف و ابتدا باشد، این نشانه ها را «علامت های وقف» می نامند. برخی از این علامت ها چنین اند:

« (وقف لازم) : باید وقف کرد.

«لا» (وقف ممنوع) : نباید وقف کرد، مگر اینکه در آخر آیه باشد.

«ج» (وقف جایز) : هم می توان وقف کرد و هم می توان وصل نمود.

«قلی» : می توان وصل کرد؛ اما وقف بهتر از وصل است.

«صلی» : می توان وقف کرد؛ اما وصل بهتر از وقف است.

« (وقف مُعَانَقَه یا مُرَاقَبَه) : می توان تنها در یکی از دو جا وقف کرد و نه

در هر دو جا.

علامت های «ط» و «ز» که در قرآن های به رسم الخط فارسی می-

نویسند تقریباً معادل با علامت های «قلی» و «صلی» در قرآن های به رسم الخط عثمان

طه می باشند

حروف مُقَطَّعَه

قرآن دارای ۱۱۴ سوره می باشد که ۲۹ سوره آن با کلمه هایی آغاز می شود که برخلاف شکل ظاهری آنها می بایست قطعه قطعه و جدا جدا و هر حرفی با اسم خودش خوانده شود و به همین جهت به آنها حروف مقطعه می گویند. مانند: (الم) که خوانده می شود (الف، لام، میم) اکنون با حروف مقطعه در قرآن کریم بدون ذکر موارد تکراری آنها آشنا می شویم.

| نوشته شده | خوانده می شود |
|-----------|-------------------|
| ن | نون |
| ص | صاد |
| طه | طا، ها |
| حم | حا، میم |
| یس | یا، سین |
| طس | طا، سین |
| الم | الف، لام، میم |
| الر | الف، لام، را |
| طسم | طا، سین، میم |
| المر | الف، لام، میم، را |

| | |
|--------------------------|--------|
| الف ، لام ، میم ، صاد | المص |
| ح، میم ، عین ، سین ، قاف | حم عسق |
| کاف ، ها، یا، عین ، صاد | کهيعص |

حروف مقطعه در مجموع ۱۴ حرف از زبان عربی را تشکیل می دهند که

جملات زیر با استفاده از این حروف ساخته شده است:

صحّ طریقتک مع السنه (در حالت وقف)

نص حکیم قاطع له سر

صراط علی حق نمسکه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ